

The Relationship between Identity Styles, Happiness and Psychological Wellbeing in University Students

Mehdi Taheri. M.A.

Kharazmi University of Tehran

Fereadoun Yaryari. Ph.D.

Kharazmi University of Tehran

Gholamreza Sarami. Ph.D.

Kharazmi University of Tehran

Marzban Adibmanesh. M.A.

Kharazmi University of Tehran

رابطه بین سبک‌های هویت، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه

مهدی طاهری*

کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران

فریدون یاریاری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران

غلامرضا صرامی

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران

مرزبان ادیب‌منش

کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between identity styles, happiness and psychological wellbeing in university students. Research method was correlation, and statistical population included all university's dormitory settled students of Kharazmi University in 2010-11 (1389-90s.c.) from whom 545 persons were selected (210 boys and 335 girls) by cluster sampling method. Research instruments consisted of Identity Styles Questionnaire (Berzonsky, 1992), Oxford Happiness Scale (Hills & Argail, 2002) and Psychological Wellbeing Questionnaire (Myers & Dainer, 1993). Data were analyzed by using pearson correlation coefficient and multiple regression analysis. The results showed that there is significant and positive correlation between normative, informative, commitment identity styles and happiness ($P < 0.05$) and significant and negative correlation between diffusion-avoidant and happiness ($P < 0.05$). Furthermore, there was a significant and positive correlation between informative and commitment identity styles with psychological wellbeing ($P < 0.01$). The results of regression analysis indicated that identity commitment and informative identity style ($P < 0.05$) and identity commitment ($P < 0.01$) could predict happiness, and identity commitment ($P < 0.01$) could predict psychological wellbeing.

Keywords: Identity styles, Happiness, Psychological wellbeing.

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین سبک‌های هویت، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان اجرا شد. روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه خوارزمی در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بودند که ۵۴۵ نفر (۲۱۰ پسر و ۳۳۵ دختر) از آنان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه سبک‌های هویت (برزونسکی، ۱۹۹۲)، پرسشنامه شادکامی آکسفورد (هیلز و آرگایل، ۲۰۰۲) و پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی (مایرز و داینر، ۱۹۹۳) بود. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های هویت هنجاری، اطلاعاتی و تعهد هویت و شادکامی رابطه مثبت و معنادار ($P < 0.01$) و بین سبک هویت پراکنده اجتنابی و شادکامی رابطه منفی و معنادار ($P < 0.05$) وجود دارد. همچنین بین سبک هویت اطلاعاتی و تعهد هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری ($P < 0.01$) وجود داشت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک اطلاعاتی ($P < 0.05$) و تعهد هویت ($P < 0.01$) پیش‌بینی‌کننده شادکامی و تعهد هویت ($P < 0.01$)، پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی هستند. **واژه‌های کلیدی:** سبک‌های هویت، شادکامی، بهزیستی روان‌شناختی.

* نویسنده مسؤول: تهران، خیابان مفتح، دانشگاه خوارزمی، گروه روان‌شناسی پست الکترونیک (رایانامه): Taheri.20000@yahoo.com

پذیرش ۹۲/۲/۹

وصول ۹۰/۱۲/۲۳

مقدمه

برزونسکی (۱۹۸۷؛ به نقل از فیلیپس و پتمن، ۲۰۰۷)، هویت را به عنوان یک نظریه خود^۱ در نظر گرفت و آن را بر همین اساس مفهوم‌سازی کرد. هویت طبق این نظریه، ساختاری یکپارچه معرفی شده که از فرضیه‌ها، ساختارها و اصول مرتبط با خود تشکیل شده است (فیلیپس و پتمن، ۲۰۰۷). نظریه‌های خود فقط از زندگی گذشته سرچشمه نمی‌گیرند، بلکه شامل راهبردهای پردازش اطلاعات هستند که تلاش‌های فردی را برای سازگاری و مقابله با موقعیت‌های زندگی روزمره هدایت می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۰۸). برزونسکی (۱۹۸۹) سه جهت‌گیری یا سبک پردازش اجتماعی-شناختی موسوم به سبک اطلاعاتی، هنجاری و پراکنده-اجتنابی را معرفی کرد. در سبک اطلاعاتی، نوجوانان فعالانه اطلاعات مربوط به خود را جست‌وجو می‌کنند و به پردازش و ارزیابی آنها می‌پردازند. این سبک به‌طور مثبت با پیچیدگی شناختی، باز بودن نسبت به تجارب جدید، توافق‌پذیری، تأمل در خود، سبک مقابله‌ای مبتنی بر حل مسأله و سطوح بالای عزت‌نفس و بهزیستی، خودتنظیمی و هدف‌محوری در ارتباط است (برزونسکی و کاک^{۱۶}، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵؛ سونز، دوریز و گوسن^{۱۷}، ۲۰۰۵). برزونسکی (۱۹۹۲) مطرح کرد که داشتن جهت‌گیری اطلاعاتی برای شکل‌گیری هویت و ارتقای عملکرد روانی-اجتماعی سودمند است (لاکس، سونز، برزونسکی، اسمیتس، گوسنز و همکار^{۱۸}، ۲۰۰۷). همچنین افراد با این سبک هویتی کمتر در جست‌وجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و در برخورد با موقعیت‌های مبهم و افراد جدید، پذیرش بالایی دارند (مغانلو، آگیلار-وفایی و شهرآرای، ۱۳۸۸). نوجوانان با سبک هویت هنجاری، رویکرد منفعلی را نسبت به پردازش اطلاعات هویتی در پیش می‌گیرند و به پذیرش عقاید و ارزش‌های هویتی والدین و دیگر افراد مهم زندگی‌شان گرایش دارند (سونز و همکاران، ۲۰۰۵). این افراد از اطلاعاتی که عقاید و ارزش‌های آنها را زیر سؤال می‌برد، به‌شدت اجتناب می‌کنند و اهمیت زیادی برای حفظ هویت سازمان‌دهی شده و غیرقابل انعطاف خود دارند (دانشورپور، غنایی، شکری و زین‌آبادی،

از زمانی که اریکسون^۱ (۱۹۶۸؛ به نقل از دوریز و سونز^۲، ۲۰۰۶) هویت را به‌عنوان اصلی‌ترین تکلیف تحولی نوجوانی معرفی کرد و بر این باور بود که تجارب این سطح از رشد فردی به‌طور مستقیم زندگی بزرگسالی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زمان زیادی می‌گذرد (آقاجانی، فرزاد و شهرآرای، ۱۳۸۷؛ دوریز و سونز، ۲۰۰۶؛ موسوی و روشن^۳، ۲۰۱۰). با وجودی که اریکسون برای بررسی هویت و هویت‌یابی به روش‌های پژوهش تجربی روی نیاورد، اما با تأکید ویژه بر شکل‌گیری هویت به‌عنوان یک مسأله مهم و اساسی دوران نوجوانی، باعث شکل‌گیری روش‌های علمی در این زمینه شد (سولوموتوز-کانتوری و هاری^۴، ۲۰۰۸). مارسیا^۵ (۱۹۶۶، ۱۹۸۰؛ به نقل از کاپلان و فلام^۶، ۲۰۱۰) براساس نظریه اریکسون، رویکرد سبک‌های هویت^۷ را مطرح کرد و چهار سبک متفاوت را برای شیوه رویارویی نوجوانان با مسائل مرتبط با هویت معرفی نمود (زیمرمن، منزنریس و بیرمن^۸، ۲۰۱۰؛ کاپک و دنیس^۹، ۲۰۱۲). به عقیده مارسیا (۱۹۸۰؛ به نقل از کاپلان و فلام، ۲۰۱۰) هویت‌یابی شامل دو بعد مهم تعهد و اکتشاف است. تعهد به کسب مجموعه پایدار از ارزش‌ها و اهداف، و اکتشاف بدین معنی که فرد تا چه اندازه ارزش‌ها، باورها و نقش‌های اجتماعی گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهد (کاپلان و فلام، ۲۰۱۰). از ترکیب تعهد و اکتشاف فرد نسبت به اهدافی که انتخاب می‌کند، چهار وضعیت هویتی موسوم به دستیابی به هویت (تعهد و اکتشاف بالا)، هویت زودرس (اکتشاف پایین و تعهد بالا)، هویت معوق (اکتشاف بالا و تعهد پایین) و هویت پراکنده (اکتشاف و تعهد پایین) به‌وجود می‌آید (برزونسکی^{۱۰}، ۲۰۰۸). رویکرد سبک‌های هویت، پایه‌ای را برای پژوهش‌های هویتی فراهم کرد، اما منتقدانی نیز داشت (دوریز، اسمیت و گوسن^{۱۱}، ۲۰۰۸). یکی از برجسته‌ترین این منتقدان برزونسکی (۱۹۸۹؛ به نقل از فیلیپس و پتمن^{۱۲}، ۲۰۰۷) بود که معتقد بود در این رویکرد، هویت به‌عنوان یک پیامد^{۱۳} مورد توجه قرار گرفته و به فرایندهای زیربنایی^{۱۴} رشد آن توجه کمی شده است (فیلیپس و پتمن، ۲۰۰۷).

- | | |
|-----------------------------------|--|
| 1. Erikson | 2. Duriez & Soenens |
| 3. Mousavi & Roshan | 4. Solomotos-Kountouri & Hurry |
| 5. Marsia | 6. Kaplan & Flum |
| 7. Identity Status Paradigm (ISP) | 8. Zimmermann, Mantzouranis & Biermann |
| 9. Koepke & Denissen | 10. Berzonsky |
| 11. Duriez, Smits & Goossens | 12. Phillips & Pittman |
| 13. outcome | 14. processes underlying |
| 15. self-theory | 16. Kuk |
| 17. Soenens, Duriez & Goossens | 18. Luychx, Soenens, Berzonsky, Smits, Goossens et al. |

و همکاران، ۲۰۰۵). شادکامی در اغلب موارد ساختاری چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که دو بعد شناختی و عاطفی دارد. بعد عاطفی شامل وجود عواطف مثبت و نداشتن عواطف منفی و بعد شناختی شامل ارزیابی کلی نسبت به زندگی است که حیطه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد. در بیانی دیگر شادکامی فقط بیمار نبودن نیست، بلکه سطوح بالاتری را شامل می‌شود که هم عاطفه و هم شناخت را درگیر می‌سازد (باقری، اکبری‌زاده و حاتمی^۳، ۲۰۱۰؛ هوانگ و همفریز^۴، ۲۰۱۲). آرگیل و کروسلند (۱۹۸۷)؛ به نقل از عابدی، میرشاه‌جعفری و لیاقت‌دار، (۱۳۸۲) نیز به‌منظور ارائه یک تعریف کاربردی از شادکامی آن را دارای سه بخش مهم فراوانی عاطفه مثبت یا احساس خوشی، میانگین سطح رضایت در طول یک دوره و نداشتن احساسات منفی مانند افسردگی و اضطراب دانسته‌اند. به‌عبارتی شادکامی شکلی از ارزیابی افراد از زندگی است. ارزیابی افراد از زندگی ممکن است به‌صورت کلی یا در یک حیطه خاص مانند ازدواج و کار یا ارزیابی هیجان‌ها درباره حوادث اخیر زندگی باشد (پاییزی، شهرآرای، فرزاد و صفایی، ۱۳۸۶). در همین راستا نیز بهزیستی به‌عنوان ارزیابی‌های شناختی و مؤثر زندگی تعریف شده است. این ارزیابی علاوه بر قضاوت‌های شناختی، شامل واکنش‌های هیجانی به وقایع و رضایت از زندگی نیز می‌شود. بنابراین بهزیستی یک مفهوم کلی است که شامل تجربه هیجان‌های خوشایند، سطوح پایین خلق منفی و رضایت بالا از زندگی است (دینر، اوشی و لوکاس^۵، ۲۰۰۳). براساس الگوی ریف^۶ (۱۹۸۹)؛ به نقل از بیانی، گودرزی و کوچکی، (۱۳۸۷) بهزیستی روان‌شناختی از شش عامل پذیرش خود (داشتن نگرش مثبت به خود)، رابطه مثبت با دیگران (برقراری روابط گرم و صمیمانه با دیگران و توانایی همدلی)، خودمختاری (احساس استقلال و توانایی مقاومت در مقابل فشارهای اجتماعی)، زندگی هدفمند (داشتن هدف در زندگی و معنا دادن به آن)، رشد شخصی (احساس رشد مستمر) و تسلط بر محیط (توانایی فرد در مدیریت و سازگار شدن با تغییرات محیطی) تشکیل می‌شود (بیانی و همکاران، ۱۳۸۷). بهزیستی روان‌شناختی همچنین به‌عنوان یک چتر در نظر گرفته شده که از مؤلفه‌های رضایت از زندگی و رضایت در زمینه‌هایی مانند ازدواج، کار، درآمد، مسکن و آسودگی، احساس عاطفه مثبت و عاطفه منفی و حتی قضاوت درباره واقعی بودن و معنادار بودن زندگی‌شان تشکیل می‌شود (گایلن و ولازکو^۷، ۲۰۰۵).

۱۳۸۶؛ برزونسکی، ۲۰۰۳). این افراد به شیوه جزئی و هنجاری عمل کرده، همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگی شان هم‌نوایی می‌کنند و به درونی‌سازی ارزش‌های گروه‌های مرجع تمایل دارند. از جمله ویژگی‌های دیگر افراد با این سبک هویتی، سطح پایین خود-ابرازی و ساختارمندی بالاست (برزونسکی، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۴؛ سونز و همکاران، ۲۰۰۵).

سبک هویت پراکنده-اجتنابی، در نوجوانانی شایع است که از موضوعات شخصی اجتناب کرده و تا زمانی که تقاضاهای محیطی، رفتارشان را به آنها القا کند، در گرفتن تصمیم‌های مهم تعلل می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۰۸؛ برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۹). این سبک هویت با سطوح پایین خودآگاهی، راهبردهای شناختی ناکارآمد، سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار، عزت‌نفس پایین و نداشتن اهداف تحصیلی و شغلی در ارتباط است (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵). این افراد تا حد امکان از رویارویی با مسائل مربوط به هویت دوری می‌کنند، رفتارشان بر پایه عوامل موقعیتی و لحظه‌ای تنظیم می‌شود و از راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی استفاده می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۰۳؛ سای‌کیوچ، دیوریز و سونز^۱، ۲۰۱۱). براساس نظر برزونسکی (۲۰۰۳)، تعهد به هویت یک چهارچوب ارجاعی از ارزش‌ها و باورهاست که ممکن است خودساخته یا تجویزی از جانب دیگران باشد. تعهد درجاتی از سرمایه‌گذاری شخصی است که یک فرد نسبت به اعتقادهای و ارزش‌های خود ابراز می‌کند. افرادی که به سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری تکیه می‌کنند، تعهدات هویتی قوی‌تر و روشن‌تری نسبت به افراد دارای سبک هویتی پراکنده-اجتنابی دارند. به‌طور کلی سبک هویت پراکنده-اجتنابی با تعهد رابطه منفی و سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری با تعهد رابطه مثبت دارند (حجازی و فرتاش، ۱۳۸۵).

براساس پژوهش‌های صورت گرفته افرادی که در طبقه اکتساب هویت و هویت معوق قرار دارند، به سبک هویت اطلاعاتی گرایش دارند. در مقابل افراد دارای هویت زودرس از سبک هویت هنجاری بهره می‌برند و افراد دارای هویت پراکنده، سبک هویت پراکنده-اجتنابی را می‌پذیرند (شوارتز، مولیس، واترمن و دانهام^۲، ۲۰۰۰؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰؛ برزونسکی، ۲۰۰۳؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵). از طرف دیگر هویت و فرایند شکل‌گیری آن یکی از مسائل مهمی است که در حوزه روان‌شناسی مثبت و شادکامی نیز مطرح است (سونز

1. Berzonsky, Cieciuch, Duriez & Soenens
3. Bagheri, Akbarizadeh & Hatami
5. Diner, Oishi & Lucac
7. Guillen & Velazco

2. Schwarts, Mullis, Waterman & Dunham
4. Huang & Humphreys
6. Ryff

نتایج مطالعه شگری، کدیور و دانش‌پور (۱۳۸۶) نشان داد که اجتناب از رویارویی با مسائل مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. همچنین این مطالعه نشان داد که نه تنها وجود تعهد، بلکه شیوه رویارویی با تکالیف و مسائل مربوط به هویت نیز در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی افراد بسیار مهم است. نتایج پژوهش ولیوراس و بوسما (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از رویارویی با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. در حالی که وقتی افراد با موضوعات مربوط به هویت روبه‌رو می‌شوند، در بین آنها با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد.

غضنفری (۱۳۸۵) در پژوهشی به این نتیجه رسید که ارزیابی مثبت از هویت نقش مؤثری در بهزیستی دانشجویان دختر و پسر دارد. مطالعه جونز و همکاران (۱۹۹۲)؛ به نقل از فرانسیس، (۱۹۹۹) که در زمینه رابطه بین سبک‌های هویت و مشکلات مربوط به مصرف الکل در محیط کار انجام شد، نشان داد که بین جهت‌گیری پراکنده - اجتنابی و مشکلات مرتبط با مصرف الکل در محیط کار رابطه مثبت وجود دارد. این در حالی بود که سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری به‌طور منفی با چنین مشکلاتی رابطه داشتند (فرانسیس، ۱۹۹۹؛ فرانسیس، براون، لاستر و فیلیپ‌چاک، ۱۹۹۹). فیلیپ و پتمن (۲۰۰۷) نشان دادند که نوجوانان با جهت‌گیری پراکنده - اجتنابی، سطوح پایین‌تری از بهزیستی را نشان می‌دهند و امیدواری کمتری را نسبت به دو سبک دیگر دارند. جهت‌گیری اطلاعاتی به‌طور آشکار و مثبت با بهزیستی روان‌شناختی و جهت‌گیری پراکنده - اجتنابی به‌طور منفی با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط دارد. رابطه بین جهت‌گیری هنجاری و بهزیستی روان‌شناختی چندان مشخص نیست.

براساس آنچه گفته شد می‌توان گفت که جنبش روان‌شناسی مثبت رویکرد جدیدی در روان‌شناسی معاصر است که سلیگمن آن را مطرح کرد و شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی را از مباحث مهم مطرح‌شده در آن معرفی نمود (فیلیپس و پتمن، ۲۰۰۷). اگرچه پژوهش‌هایی تاکنون در زمینه شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی انجام شده است، اما در مرور پیشینه موضوع، پژوهشی که در آن همزمان رابطه بین سبک‌های هویت با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی بررسی شده باشد، در دسترس قرار نگرفت. با توجه به این موضوع و از آنجا که در زندگی امروز شادکامی و بهزیستی از مسائل

شکل‌گیری موفقیت‌آمیز هویت با بهزیستی روان‌شناختی در ارتباط است (ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵؛ واترمن، ۲۰۰۷؛ حجازی، شهرآرای، فارسی‌نژاد و عسگری، ۲۰۰۸). در نظریه اریکسون شکل‌گیری هویت با قضاوت خوب و درست در مورد خود، احساس یکپارچگی و انسجام و ظرفیت بالا در انجام درست کارها در ارتباط است و اینها مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند به‌عنوان مشخصه‌های بهزیستی روانی فرد شناخته شوند. در این راستا جهت‌گیری پراکنده - اجتنابی به‌طور منفی با کیفیت روابط دوستانه، موفقیت تحصیلی و خودپنداره و به‌طور مثبت با ضعف در برابر آثار اضطراب، نداشتن عواطف، راهبردهای تصمیم‌گیری ناسازگارانه، سوء‌مصرف مواد، افسردگی و روان‌رنجورخویی در ارتباط است (برزونسکی، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴؛ ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵). براساس مطالعات صورت گرفته، جهت‌گیری اطلاعاتی به‌طور مثبت با رفتارهای مؤثر، عزت‌نفس بالا، قدرت تصمیم‌گیری بالا، مسأله‌مداری (برزونسکی، ۱۹۹۲) و تمرکز بر مشکلات و باز بودن به خودارزیابی‌های محوری در ارتباط است (ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد عزت‌نفس و احترام به خود نقش مهمی در سلامت روان‌شناختی افراد داشته باشد. در این راستا، افرادی که احترام به خود بالایی دارند، قادرند معنای زندگی را دریابند و به‌طور موفقیت‌آمیزتری اضطراب را رفع کنند و نسبت به آنهایی که دید منفی راجع به خودشان دارند، کمتر تحت تأثیر خلق منفی قرار می‌گیرند (غضنفری، ۱۳۸۵). در مطالعات صورت‌گرفته در بین فرهنگ‌های مختلف داشتن خودنگری مثبت برای بهزیستی مفید است (دینر، دینر و دینر، ۱۹۹۵؛ دینر و همکاران، ۲۰۰۳). افراد با سبک هویت اطلاعاتی از عزت‌نفس بالا و خودپنداره مثبتی برخوردارند و دید مثبتی نسبت به آینده دارند و بنابراین شادکامی بیشتری را تجربه می‌کنند و از زندگی رضایت بیشتری دارند. افراد با هویت اطلاعاتی تمایل بیشتری برای دوستی با دیگران از خود نشان می‌دهند و احساس تعلق و احترامی که از عضویت در گروه به دست می‌آورند، تأثیر مثبتی روی احساس ذهنی آنها از بهزیستی دارد (دینر و همکاران، ۱۹۹۵). همچنین افراد با هویت موفق (جهت‌گیری اطلاعاتی) به تصمیماتی که در زندگی می‌گیرند، دید مثبت‌تری دارند و از زندگی بهتری برخوردار هستند. این افراد با توجه به اینکه احساسات مثبت و سلامت روان‌شناختی با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط دارد، شادکامی بیشتری را می‌توانند تجربه کنند (شهرآرای، ۱۳۸۴).

1. Vleioras & Bosma

3. Hejazi, Shahraray, Farsinejad & Asgary

2. Waterman

4. Francis, Brown, Lester & Philipchalk

۰/۶۶ و ۰/۷۴ به‌دست آمد. نمونه‌ای از پرسش‌های این پرسشنامه به این شرح است: «من می‌دانم در مورد مذهب چه عقیده‌ای دارم.»

پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI): برای سنجش شادکامی از پرسشنامه تجدیدنظر شده هیلز و آرگایل^۴ (۲۰۰۲)، که دارای ۲۹ پرسش و مقیاس پاسخگویی چهار درجه‌ای (اصلاً=۰ تا زیاد=۳) است، استفاده شد. هیلز و آرگایل (۲۰۰۲) ضریب پایایی پرسشنامه را ۰/۹۱ و همبستگی درونی گویه‌ها را ۰/۶۵ گزارش کرده‌اند. پژوهشگران این پرسشنامه را در ایران مورد استفاده قرار داده‌اند و شواهد قابل قبولی از روایی و پایایی آن ارائه شده است. هادی‌نژاد و زارعی (۱۳۸۸) در پژوهش خود این پرسشنامه را بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی هنجاریابی کردند و علاوه بر بررسی روایی محتوایی و روایی همگرا و واگرای این پرسشنامه با پنج عامل بزرگ شخصیت، پایایی بازآزمایی (با فاصله زمانی ۴ هفته) آن را برابر با ۰/۷۸ ($P < ۰/۰۱$) و آلفای کرونباخ آن را برابر با ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. ثابت و لطفی کاشانی (۱۳۸۹) نیز شواهدی از روایی سازه این پرسشنامه ارائه کرده و ضریب آلفای کرونباخ آن را برای گروه پسران برابر با ۰/۸۸ و برای گروه دختران برابر با ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه شادکامی آکسفورد برابر با ۰/۹۴ به‌دست آمد. نمونه‌ای از پرسش‌های این پرسشنامه به این شرح است: «همیشه احساس لذت و شادی دارم.»

پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی (PWBQ): برای سنجش بهزیستی روان‌شناختی از پرسشنامه مایرز و داینر (۱۹۹۳) به نقل از صیادی، (۱۳۸۷)، که دارای ۱۷ سؤال و مقیاس پاسخگویی هفت‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) است، استفاده شد. در این پرسشنامه مؤلفه‌های اصلی بهزیستی روان‌شناختی یعنی پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، استقلال، مدیریت، هدف زندگی و رشد شخصی مورد سنجش قرار می‌گیرد. این پرسشنامه در مطالعات بین‌فرهنگی بسیاری مورد استفاده قرار گرفته و از پایایی و روایی بالایی برخوردار است (مایرز و داینر، ۱۹۹۵؛ به نقل از صیادی، ۱۳۸۷). پژوهشگران این پرسشنامه را در ایران مورد استفاده قرار داده‌اند و شواهد قابل قبولی از روایی و پایایی آن ارائه شده است. برای نمونه در پژوهش عباس‌پور (۱۳۸۵) و صیادی (۱۳۸۷) علاوه بر ارائه شواهد مربوط به روایی محتوایی و موضوعی

اساسی و مهم زندگی بشر است و باید در زمینه عوامل مؤثر بر آنها اقدام‌های مؤثری صورت گیرد، این پژوهش با هدف تعیین رابطه سبک هویت، شادکامی و بهزیستی روان اجرا شد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: روش این پژوهش از نوع همبستگی است که در آن سبک‌های هویت متغیر پیش‌بین و شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی متغیرهای ملاک بوده‌اند. جامعه آماری شامل ۲۲۰۰ دانشجوی ساکن خوابگاههای دانشجویی دانشگاه خوارزمی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بود. نمونه پژوهش شامل ۵۴۵ نفر (۲۱۰ پسر و ۳۳۵ دختر) از این دانشجویان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش ابتدا از بین ۲۳ واحد خوابگاهی تعداد ۹ واحد و از بین طبقات هر یک از خوابگاههای انتخاب شده، یک طبقه انتخاب و تعداد افراد این طبقات به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت.

ابزار سنجش

سیاهه سبک‌های هویت (ISI): برای سنجش سبک‌های هویت از پرسشنامه برزونسکی (۱۹۹۲)، که دارای ۴۰ سؤال و ۳ خرده‌مقیاس سبک هویت اطلاعاتی (۱۱ سؤال)، سبک هویت هنجاری (۹ سؤال) و سبک هویت پراکنده - اجتنابی (۱۰ سؤال) همراه با مقیاس سبک هویت متعهد (۱۰ سؤال) و مقیاس پاسخگویی پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) است، استفاده شد (کراستی، رابینی، برزونسکی و میوز^۱، ۲۰۰۹). کراستی و همکاران (۲۰۰۹) ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، پراکنده - اجتنابی و سبک هویت متعهد به ترتیب برابر با ۰/۶۴، ۰/۵۸، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش کرده‌اند. در ایران پژوهشگران این پرسشنامه را مورد استفاده قرار داده و شواهد قابل قبولی از روایی و پایایی آن ارائه شده است. غنایی، عاطف‌وحید، دژکام و محمدیان (۱۳۸۴) نیز ضرایب پایایی این پرسشنامه را برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و پراکنده - اجتنابی و سبک هویت متعهد به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۸۱ و ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و پراکنده - اجتنابی و سبک هویت متعهد به ترتیب برابر با ۰/۶۷، ۰/۵۷،

1. Identity Styles Inventory (ISI)

3. Oxford Happiness Questionnaire (OHQ)

5. Psychological Well-being Inventory

2. Crocetti, Rubini, Berzonsky & Meeus

4. Hills & Argyle

داده شد و آنها در همکاری یا همکاری نکردن با پژوهشگران حق انتخاب داشتند. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تحلیل شد.

یافته‌ها

در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار همراه با حداکثر و حداقل نمرات مربوط به سبک‌های هویت، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی ارائه شده است.

در جدول ۲ همبستگی بین سبک‌های هویت و مقیاس تعهد هویتی با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی ارائه شده است:

این پرسشنامه، آلفای کرونباخ آن به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۹۸ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی برابر با ۰/۹۴ به دست آمد. نمونه‌ای از پرسش‌های این پرسشنامه به این شرح است: «در بیشتر موارد، زندگی‌ام به ایده‌آل‌هایم نزدیک است».

روش اجرا و تحلیل

پس از انجام روند اداری، نمونه پژوهش انتخاب شد و پرسشنامه‌ها در اختیار آنها قرار گرفت تا پاسخ دهند. در هنگام تحویل پرسشنامه‌ها، اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان شرح

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل نمرات سبک‌های هویت، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی

ردیف	مؤلفه‌ها	M	SD	حداکثر نمره	حداقل نمره
۱	سبک اطلاعاتی	۳۸/۷۳	۵/۶۹	۵۴	۲۰
۲	سبک هنجاری	۳۰/۰۴	۴/۹۴	۴۲	۱۲
۳	سبک پراکنده - اجتنابی	۲۵/۰۵	۵/۶۶	۴۱	۱۲
۴	مقیاس تعهد هویتی	۳۳/۸۲	۵/۵۸	۴۵	۱۳
۵	شادکامی	۷۰/۳۱	۱۴/۷۰	۱۱۵	۲۹
۶	بهزیستی روان‌شناختی	۷۳/۱۶	۲۲/۹۵	۱۱۹	۱۷

جدول ۲- نتایج تحلیل همبستگی بین سبک‌های هویت و مقیاس تعهد هویت با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی

متغیرها	سبک اطلاعاتی	سبک هنجاری	سبک پراکنده - اجتنابی	هویت متعهد
شادکامی	۰/۳۶**	۰/۲۴**	-۰/۱*	۰/۵۱**
بهزیستی روان‌شناختی	۰/۱۷**	۰/۰۲	-۰/۰۶	۰/۱۴**

*P<۰/۰۵

**P<۰/۰۱

و پراکنده-اجتنابی با بهزیستی روان‌شناختی معنادار نیست ($P>۰/۰۵$). در جدول‌های ۳ و ۴ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی شادکامی از طریق سبک‌های هویت ارائه شده است. چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از بین سبک‌های هویت، طی دو گام سبک اطلاعاتی و سبک هویت متعهد پیش‌بینی‌کننده شادکامی بوده‌اند؛ در گام اول سبک هویت متعهد ۲۶ درصد از واریانس شادکامی را تبیین نموده و در گام

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سبک هویت متعهد با شادکامی رابطه مثبت و معنادار ($P<۰/۰۱$) و سبک هویت پراکنده-اجتنابی با شادکامی رابطه منفی و معنادار ($P<۰/۰۵$) دارند. همچنین نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت متعهد با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار ($P<۰/۰۱$) وجود دارد، اما رابطه بین سبک‌های هویت هنجاری

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی شادکامی از طریق سبک‌های هویت

گام	مقادیر ثابت و متغیرهای پیش‌بین	B	SE	β	t	R	R2	F
۱	مقدار ثابت	۲۴/۱۶	۳/۳۱	-	۷/۲۸**	۰/۵۱	۰/۲۶	۱۹۹/۱۴
	هویت متعهد	۱/۳۶	۰/۰۹۷	۰/۵۲	۱۴/۱۱**			
۲	مقدار ثابت	۱۷/۸۸	۳/۹۸	-	۴/۴۹**			
	هویت متعهد	۱/۱۹	۰/۱۱	۰/۴۵	۱۰/۳۹**	۰/۵۲	۰/۲۷	۷/۸۷
	سبک هویت اطلاعاتی	۰/۳۱	۰/۱۱	۰/۱۲	۲/۸۰*			

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی از طریق سبک‌های هویت

گام	مقادیر ثابت و متغیرهای پیش‌بین	B	SE	β	t	R	R2	F
۱	مقدار ثابت	۵۳/۴	۵/۹۹	-	۸/۹۱**	۰/۱۴	۰/۰۲	۱۱/۱۸
	هویت متعهد	۰/۵۸	۰/۱۷	۰/۱۴	۳/۳۴**			

و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، همسویی نشان داد. همچنین اریکسون (۱۹۶۳؛ به نقل از ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵) معتقد است که شکل‌گیری موفق هویت یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم بهزیستی روان‌شناختی است. یافته‌های پژوهش دانشورپور و همکاران (۱۳۸۶) نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری به‌طور معناداری پیش‌بینی‌کننده صمیمیت اجتماعی هستند. داشتن روابط صمیمانه و مثبت با دیگران ممکن است راهی برای ایجاد احساس شادکامی و رضایت از زندگی در افراد باشد. عزت‌نفس بالا، خودپنداره مثبت و دید مثبت به آینده، از ویژگی‌های همراه با سبک هویت اطلاعاتی است که ممکن است در شادکامی نقش مهمی داشته باشد. افراد با هویت موفق (جهت‌گیری اطلاعاتی) نسبت به تصمیماتی که در زندگی می‌گیرند، دید مثبت‌تری دارند و از زندگی بهتری برخوردار هستند. احساسات مثبت و سلامت روان‌شناختی نیز در این افراد بالاتر است که میزان شادکامی این افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شهرآرای، ۱۳۸۴).

نتایج مطالعه کنترل و همکاران (۱۹۸۵؛ به نقل از آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۷) نشان داد که رشد هویت با دوام روابط بین‌فردی رابطه مستقیم دارد (آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۷). با

دوم که سبک هویت اطلاعاتی در کنار سبک هویت متعهد قرار گرفته، واریانس تبیین‌شده شادکامی به ۲۷ درصد رسیده که از این مقدار یک درصد سهم انحصاری افزوده سبک هویت اطلاعاتی است. در جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی از طریق سبک‌های هویت ارائه شده است.

چنانکه در جدول ۴ مشاهده می‌شود، از بین سبک‌های هویت، طی یک گام سبک هویت متعهد پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی بوده است؛ به این ترتیب که طی یک گام سبک هویت متعهد، ۲ درصد از واریانس بهزیستی روان‌شناختی را تبیین کرده است.

بحث

این پژوهش که با هدف تعیین و بررسی رابطه بین سبک‌های هویت، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی در بین دانشجویان اجرا شد، نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری (فقط با شادکامی) و هویت متعهد با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار دارند (جدول ۲). این نتایج با یافته‌های برزونسکی (۱۹۹۲) و فیلیپس و پتمن (۲۰۰۷) که به این نتیجه رسیدند که بین سبک هویت اطلاعاتی

پراکنده- اجتنابی همراه است ممکن است از پیش‌بینی‌کننده‌های منفی شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی در افراد با سبک هویت پراکنده- اجتنابی باشد. همچنین این سبک هویت به‌طور مثبت با اجتناب عاطفی و ضعف و بی‌حرکی در برابر تأثیرات اضطراب در ارتباط است (ولپوراس و بوسما، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه امیدواری و خوش‌بینی از پیش‌بینی‌کننده‌های قوی شادکامی هستند و مطالعات مختلف بیانگر نمره‌های پایین این دو مؤلفه در افراد با سبک هویت پراکنده- اجتنابی است (فرانسیس، ۱۹۹۹)، می‌توان انتظار داشت که افراد دارای این سبک هویتی، شادکامی کمتری را نشان دهند و در عین حال به علت اینکه ارزیابی شناختی بی‌کی که این افراد از زندگی خود دارند منفی است، این احتمال وجود دارد که از بهزیستی کمتری برخوردار باشند که این موضوع نیز بر شادکامی آنها تأثیر می‌گذارد (گایلن و ولازکو، ۲۰۰۵).

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین سبک‌های هویت، سبک هویت اطلاعاتی و هویت متعهد پیش‌بینی‌کننده شادکامی و هویت متعهد پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی هستند (جدول ۳ و ۴). پژوهش برزونسکی و فراری (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که تعهد بالا با تصمیم‌گیری منطقی و سبک مقابله مسأله‌مدار رابطه مثبت و با اهمال‌کاری، دلیل تراشی، احساس ترس قبل از تصمیم‌گیری و کمرویی رابطه منفی دارد. از آنجا که این عوامل از مؤلفه‌های مهمی هستند که تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر ایجاد بهزیستی در فرد دارند، می‌توانند تا حدودی پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی را با مقیاس هویت متعهد تبیین کنند. برزونسکی (۲۰۰۳) نشان داد که افراد با سبک‌های هویت هنجاری و اطلاعاتی در مقایسه با افراد با سبک هویت سردرگم- اجتنابی تعهدات هویتی نیرومندتری دارند. این موضوع را نیز باید گفت که پژوهش‌های مختلف از جمله این پژوهش نشان می‌دهند که سبک هویت اطلاعاتی یکی از عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی است و همچنین وقتی سبک هویت اطلاعاتی با میزان بالای تعهد هویت متعهد نیز همراه شود، بهتر می‌تواند میزان شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی را در افراد پیش‌بینی کند. نتایج مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نشان داد که دانشجویان دارای سبک هویت اطلاعاتی، در مقایسه با دانشجویان دارای سبک‌های هویت هنجاری و پراکنده- اجتنابی، در مقیاس‌های استقلال تحصیلی، شایستگی خود، مهارت‌های زندگی، احترام و تحمل دیگران، ایجاد روابط صمیمانه و پایدار با دیگران، استقلال عاطفی، عزت‌نفس، واقع‌بینی و داشتن برنامه‌های بلندمدت برای زندگی نمرات بالاتری کسب می‌کنند.

توجه به این یافته نیز می‌توان پیش‌بینی کرد که افزایش و پایداری روابط بین‌فردی از طریق عامل واسطه‌ای دریافت حمایت اجتماعی و بالا بردن عزت‌نفس، باعث ارتقای شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی فرد می‌شود. پژوهش حجازی و فرتاش (۱۳۸۵) نشان داد که سبک هویت پراکنده- اجتنابی با هویت متعهد پایین و سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری، هر دو با هویت متعهد بالا همبستگی مثبت دارند. در راستای رابطه بین هویت متعهد با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی می‌توان گفت افرادی که به سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری تکیه می‌کنند، تعهدات هویتی قوی‌تر و روشن‌تری نسبت به افراد با سبک پراکنده- اجتنابی دارند. در همین راستا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به احتمال زیاد یکی از دلایل اصلی شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی بیشتر در افراد با هویت متعهد بالا، گرایش آنها به سمت یکی از سبک‌های هویت اطلاعاتی یا هنجاری است. مطالعه هوانگ و هامفریز (۲۰۱۲) نیز نشان داد که مشارکت در فعالیت‌های گروهی با شادکامی و بهزیستی رابطه مثبت و معناداری دارد.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک هویت پراکنده- اجتنابی با شادکامی رابطه منفی و معنادار دارد (جدول ۲). از پژوهش‌های همسو با این یافته می‌توان به مطالعه برزونسکی (۱۹۹۲) اشاره کرد که در پژوهش خود به این نتیجه رسید که جهت‌گیری پراکنده- اجتنابی با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط منفی دارد و افرادی که گرایش بیشتری به این سبک هویتی دارند، از بهزیستی روان‌شناختی کمتری برخوردار هستند. ولپوراس و بوسما (۲۰۰۵) و شکری و همکاران (۱۳۸۶) نیز به این نتیجه رسیدند که اجتناب از رویارویی با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. نتایج مطالعه فیلیس و پتمن (۲۰۰۷) نشان داد که نوجوانان با سبک هویت پراکنده- اجتنابی سطوح پایین‌تری از بهزیستی را نشان می‌دهند و نسبت به سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری امیدواری کمتری دارند. برزونسکی (۱۹۹۲)، برزونسکی و فراری (۱۹۹۶) و برزونسکی و کاک (۲۰۰۰) اعتقاد دارند که افراد دارای سبک هویت پراکنده- اجتنابی، بیش از دیگر سبک‌های هویت، از راهبردهای اجتنابی و هیجان‌مدار استفاده می‌کنند. همچنین برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) بر این باورند که افراد دارای سبک هویت پراکنده- اجتنابی برای تشکیل روابط دوستانه و حفظ شبکه حمایت اجتماعی با مشکل روبه‌رو هستند، روابط ضعیفی با همسالان خود دارند و از نظر میزان صمیمیت و باز بودن در روابط در سطح پایینی قرار دارند. تمام موارد گفته شده در بالا که با سبک هویت

آزاد اسلامی واحد آزاد شهر (۸۶-۱۳۸۵). دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۳۶(۱)، ۱۶۴-۱۵۳.

پاییزی، م.، شهرآرای، م.، فرزاد، و.، و صفایی، پ. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش ابراز وجود بر شادکامی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه دوم رشته علوم تجربی دبیرستان‌های تهران. *مطالعات روان‌شناختی*، ۳(۴)، ۴۳-۲۵.

ثابت، م.، و لطفی کاشانی، ف. (۱۳۸۹). هنجاریابی آزمون شادکامی آکسفورد. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۵، ۱۸-۷.

حجازی، ا.، فرتاش، س. (۱۳۸۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی. *پژوهش زنان*، ۳(۴)، ۷۶-۶۱.

دانشورپور، ز.، غنایی، ز.، شکری، ا.، و زین‌آبادی، ح.ر. (۱۳۸۶). پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی براساس سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۲(۷)، ۵۱-۸۱.

شکری، ا.، کدیور، پ.، دانشورپور، ز. (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی‌های شخصیتی. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی*، ۱۳(۳)، ۴۰۴-۳۹۳.

شهرآرای، م. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی*. چاپ اول، تهران: نشر علم.

صیادی، س. (۱۳۸۷). بررسی علی صفات شخصیتی (پنج عامل بزرگ)، سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روان‌شناختی با رضایت زناشویی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران*.

عابدی، م.، میرشاه جعفری، س.ا.، و لیاقتدار، م.ج. (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان. *مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۴(۵)، ۸۷-۸۴.

عباس‌پور، پ. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و عزت‌نفس با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران*.

غضنفری، ف. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای بهزیستی دانشجویان دختر و پسر برحسب ارزیابی از هویت اجتماعی و هویت فردی. *اصول بهداشت روانی*، ۸(۳۱)، ۱۳۰-۱۲۳.

غنایی، ب.، عاطف‌وحید، م.ک.، دژکام، م.، و محمدیان، م. (۱۳۸۴). وضعیت هویتی نوجوانان تهرانی. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی*، ۱۱(۲)، ۱۵۷-۱۴۶.

مغانلو، م.، آگیلار-وفایی، م.، و شهرآرای، م. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های هویت و دینداری در دانشجویان. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی*، ۱۱(۴)، ۳۸۷-۳۷۷.

هادی‌نژاد، ح.، و زارعی، ف. (۱۳۸۸). پایایی، اعتبار و هنجاریابی پرسشنامه شادکامی آکسفورد. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۲، ۷۵-۶۲.

همچنین براساس پژوهش برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) دانشجویان دارای سبک هویت اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان دارای سبک هویت پراکنده - اجتنابی، سلامت جسمانی بالاتر و سبک زندگی متعادل‌تری دارند. با توجه به اینکه هر یک از عوامل گفته‌شده ممکن است به شیوه مثبت شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی را تحت تأثیر قرار دهد، تا حدودی قابل پیش‌بینی است که سبک هویت اطلاعاتی، قدرت پیش‌بینی شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی را داشته باشد. ویلوراس و بوسما (۲۰۰۵) بر این باورند که دلیل اینکه سبک‌های هویت موفق (افراد دارای جهت‌گیری اطلاعاتی) و زودرس (افراد دارای جهت‌گیری هنجاری) بالاترین میزان بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی را دارند، این است که در این دو سبک افراد به موضوعات مرتبط با هویت بیشتر متعهد هستند. همچنین سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مثبتی با رفتارهای مؤثر و باز بودن به تجربه در ارتباط است که این خود باعث می‌شود تا فرد بیشتر با موقعیت‌هایی روبه‌رو شود که مستلزم تجربه شادکامی و ارزیابی مثبت زندگی باشد. با جمع‌بندی یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که در کنار عوامل دیگری که با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی افراد در ارتباط هستند، سبک‌های هویت نیز در این میان نقش مهمی را ایفا می‌کند. ولی این نکته قابل توجه است که سبک‌های هویت به تنهایی قادر به پیش‌بینی کامل میزان شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی افراد نیستند. بر این اساس در پژوهش‌های آینده باید در کنار سبک‌های هویت، دیگر عوامل مرتبط با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی نیز مورد توجه قرار گیرد. همچنین در راستای انجام این پژوهش در دانشجویان، پیشنهاد می‌شود این متغیرها در جوامع دیگر و به‌صورت مقایسه‌ای نیز مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش محدودیت‌هایی نیز داشته است. از آنجا که پژوهش حاضر از نوع همبستگی است، برداشت رابطه علت و معلولی از نتایج امکان‌پذیر نیست. همچنین با توجه به اجرای این پژوهش بر روی دانشجویان، تعمیم یافته‌های پژوهش به جوامع دیگر باید با احتیاط و با در نظر گرفتن تمام جوانب صورت گیرد.

منابع

- آقاجانی، م.ح.، فرزاد، و.، و شهرآرای، م. (۱۳۸۷). مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران براساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیربومی بودن. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۳۸(۴)، ۱۴۶-۱۳۵.
- بیانی، ع.ا.، گودرزی، ح.، و کوچکی، ع.م. (۱۳۸۷). رابطه ابعاد بهزیستی روان‌شناختی و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه
- Bagheri, F., Akbarizadeh, F., & Hatami, H. (2010). The relationship between nurses' spiritual intelligence and happiness in Iran. *Procedia of Social and Behavioral Sciences*, 5, 1556-1561.

- late and middle adolescents. *Journal of Adolescence Research*, 29, 119-135.
- Francis, L.J. (1999). Happiness is a thing called stable extraversion: a further examination of the relationship between the Oxford happiness inventory and Eysencks dimensional model of personality and gender. *Personality and Individual Differences*, 29, 5-11.
- Francis, L.G., Brown, L.B., Lester, D., & Philipchalk, R. (1999). Happiness as stable extravertion: Across-cultural examination of the reliability and validity of the oxford happiness inventory among student in the U.K., U.S., Australia, and Canada. *Personality and Individual Differences*, 24 (2), 167-171.
- Guillen, R.M., & Velazco, J. (2005). Exploring the relationship between happiness, objective and subjective well-being: Evidence from rural Thailand. *Paper Presented at the Capabilities and Happiness Conference*, 16-18 June.
- Hejazi, E., Shahraray, M., Farsinejad, M., & Asgary, A. (2008). Identity styles and academic achievement: mediating role of academic self- efficacy. *Social Psychology of Education*, 12, 123-135.
- Hills, P., & Argyle, M. (2002). The oxford happiness questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 33, 73-82.
- Huang, H., & Humphreys, B.R. (2012). Sports participation and happiness: Evidence from US microdata. *Journal of Economic Psychology*, 33, 776-793.
- Kaplan, A., & Flum, H. (2010). Achievement goal orientations and identity formation styles. *Educational Research Review*, 5, 50-67.
- Koepke, S., & Denissen, J.A. (2012). Dynamics of identity development and separation-individuation in parent-child relationships during adolescence and emerging adulthood- A conceptual integration. *Developmental Review*, 32, 67-88.
- Luychx, K., Soenens, B., Berzonsky, M. D., Smits, I., Goossens, L., & Vansteenkiste, M. (2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation, and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination. *Personality and Individual Differences*, 43, 1099-1111.
- Mousavi, R., & Roshan, R. (2010). Investigating different aspects of identity among the students of Tehran Universities: The role of sex differences. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1884-1889.
- Phillips, T.M., & Pittman, J. (2007). Adolescent psychological well-being by identity style. *Journal of Adolescence Research*, 30, 1021-1034.
- Berzonsky, M.D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 268-282.
- Berzonsky, M.D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky, M.D. (2003). Identity style and well-being: Dose commitment matter? *International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonsky, M.D. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 1, 303-315.
- Berzonsky, M.D. (2008). Identity formation: the role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44, 645-655.
- Berzonsky, M.D., & Ferrari, J.R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M.D., & Ferrari, J.R. (2009). A diffuse- avoidant identity processing style: Strategic avoidance or self confusion? *International Journal of Theory and Research*, 9, 145-158.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L. (2000). Identity status, Identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15, 81-98.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
- Berzonsky, M.D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Associations between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences*, 50, 295-299.
- Crocetti, E., Rubini, M., Berzonsky, M.D., & Meeus, W. (2009). Brief report: The identity style inventory-validation in Italian adolescents and college students. *Journal of Adolescence*, 32, 425-433.
- Diener, E., Diener, M., & Diener, C. (1995). Factors predicting the subjective well-being of nations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 851- 864.
- Diner, E., Oishi, S., & Lucac, R.E. (2003). Personality, culture and subjective well-being: emotional and cognitive evaluations of life. *Annual Review of Psychology*, 54, 403-425.
- Duriz, B., Smits, L., & Goossens, L. (2008). The relation between identity styles and religiosity in adolescence: Evidence from a longitudinal perspective. *Personality and Individual Differences*. 44, 1022-1031.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles, and religiosity: An integrative study among

- Schwartz, J., Mullis, R.L., Waterman, A.S., & Dunham, R.M. (2000). Ego identity status, identity style, and personal expressiveness: An empirical investigation of three convergent constructs. *Journal of Adolescent Research, 15*, 504-521.
- Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L. (2005). Social psychological profiles of identity styles: attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence, 28*, 107- 125.
- Solomotos-Kountouri, O., & Hurry, J. (2008). Political, religious and occupational identities in context: Placing identity status paradigm in context. *Journal of Adolescence, 31*, 241-258.
- Vleioras, G., & Bosma, H.A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence Research, 28*, 397-409.
- Waterman, A.S. (2007). Doing well: The relationship of identity status to three measures of well- being. *International Journal of Theory and Research, 7*, 289-307.
- Zimmermann, G., Mantzouranis, G., & Biermann, E. (2010). Ego identity in adolescence: Preliminary validation of a French short-form of the EIPQ. *Revue Europeenne de Psychologie Appliquee, 60*, 173-180.